نامه هایی از دکتر محمد مصدق

فاطمی، سعید

یادداشت سردبیر

از دیرباز،نامه‏های رجال علمی،فرهنگی و سیاسی،با جاذبه‏ی ویژه‏یی توجه فرهنگوران،ادیبان و مورّخان را به خود جلب کرده است. نامه‏های زنده‏یاد دکتر مصدق نیز بی‏گمان در شمار نامه‏های مفاخر ملی ایران برای ما و آیندگان ارزشمند است.در این شماره، نامه‏هایی از دکتر مصدق به دکتر سعید فاطمی(منشی مخصوص دکتر مصدق در دادگاه لاهه)را که مخاطب دانشمند،آن‏ها را از امریکا به ما فرستاده‏اند،به خوانندگان ارمغان می‏کنیم.عناوین نامه‏ها را سردبیر انتخاب کرده است.

1-ممنوع الخروج و ممنوع الملاقات

احمدآباد،چهارم فروردین‏ماه 1340

از اظهار لطف و مرحمتی که فرموده‏اید،نهایت امتنان دارم.بنده‏ هم بسیار مایلم که جناب عالی را زیارت کنم،ولی وضعیتم مخصوصا در این دو سال اخیر طوری‏ست که غیر از با فرزندان با کس دیگری‏ نمی‏توانم ملاقات کنم و حتا از قلعه هم بدون اسکورت حق خروج‏ ندارم.خواهانم که این سال به جناب عالی مبارک و میمون باشد و سال‏های بسیار در کمال صحت و خوشی به سر برید.اخلاق‏ حمیده‏ی جناب عالی را همیشه می‏ستایم.

دکتر محمد مصدق

2-زجرهای دکتر حسین فاطمی

25 مهرماه 1340

قربانت گردم،مرقومه‏ی محترمه عزّ وصول ارزانی بخشید و الطاف مبذوله موجب نهایت امتنان گردید.قبول بفرماید آن کس‏ که از دست ما رفت و یک عده مردم خیرخواه وطن‏پرست را داغدار نمود،همان شادروان دکتر حسین فاطمی‏ست که هر وقت به یاد زجرهایی که به آن رادمرد داده شد،می‏آیم،بی اختیار متأثر می‏شوم و یقین دارم که نام نیکش همیشه در صفحات تاریخ ایران باقی خواند ماند.از وضعیت بنده گویا درست اطلاع نداشته باشید که از این قلعه‏ نمی‏توانم خارج شوم.با کم‏تر کسی مکاتبه می‏کنم،برای اینکه‏ دفعه‏ی دیگری دچار تعقیب و محاکمه نشوم.اکنون متجاوز از 50 نفر سربازر و گروهبان اطراف بنده هستند که اجازه نمی‏دهند با کسی‏ ملاقات کنم،غیر از فرزندانم.خواهانم هرچه زودتر از این زندگی‏ رقّت‏بار خلاص شوم.خدمت آقایان محترم که به بنده اظهار لطف‏ فرموده‏اند،عرض اردات دارم.بقا و سلامت فرد فرد همه را خواهانم.3-هفت سال در یک چاردیواری

احمدآباد،اول فروردین‏ماه 1342

قربانت گردم،مرقومه‏ی محترمه عزّ وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید.خواهانم که این سال گرچه برای ما عیدی نیست،به جناب عالی مبارک و میمون باشد و سال‏های بسیار در کمال صحت و خوشی به سر برید.بنده هم در این قلعه کماکان‏ می‏گذارنم و اجازه‏ی خروج از این چهار دیوار هم داده نشده و اکنون‏ قریب هفت سال است که با این وضعیت می‏سازم.بیش از این‏ چیزی عرض نمی‏کنم که موجب ملالت خاطر شما بشود.

دکتر محمد مصدق

4-رهبر را ملّت باید تعیین کند

احمدآباد،3 فروردین‏ماه 1342

قربانت گردم،مرقومه‏ی محترمه عزّ وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید.گرچه عیدی برای ما نیست که بتوانیم‏ از روی حقیقت به یکدیگر تبریک بگوییم،با این حال در این عید سالی باید استفاده کرد و از حال هم مطلع گردید.خواهانم که این‏ سال به سر کار علیه خانم والده‏ی محترمه و شما خودتان مبارک و میمون باشد و سال‏های بسیار در کمال صحت و خوشی به سر برید. از حال بنده خواسته باشید،بد بود و کسالت خانمم آن را بدتر کرد. اکنون قریب بیست روز است که در بیمارستان بستری‏ام و دل خوشم‏ از این که می‏گویند خر را رفع کرده.عکسی را که خواسته‏اید و ناقابل است،تقدیم می‏کنم و جمله‏ی رهبری را نتوانستم بنویسم، چون‏که رهبر را باید ملت تعیین کند نه بنده و سال‏هاست از همه جا بی خبرم و در این زندان به سر می‏برم.در انتظار خاتمه حیاتم. بیش از این عرضی ندارم و سلامتی همگی را خواهانم.

دکتر محمد مصدق

5-مقاله می‏خوانم

دوم آبان‏ماه 1329/24 اکتبر 1950

جناب آقای سعید فاطمی،خبرنگار محترم روزنامه‏ی باختر امروز! نامه‏ی شریف مورخ 19 اکتبر عز وصول ارزانی بخشید و موجب‏ نهایت امتنان گردید.از این که سلامت هستید و در دانشکده‏ی‏ سوربن اشتغال بهتحصیل دارید،بسیار خوشوقتم و خواهانم در این‏ مسافرت از هر جهت به جناب‏عالی خوش بگذرد و با موفقیت کامله‏ مراجعت فرمایید.از مقالات جناب‏عالی که در روزنامه‏ی باختر امروز منتشر می‏شود،استفاده می‏کنم و خوشوقتم از این که وظیفه‏ی خود را از حالم استفسار نموده‏اید،عرض می‏کنم که‏ بسیار خسته هستم،دکتر معالج سه ماه استراحت کامل را لازم‏ می‏داند و بنده به یک روز آن هم موفق نشده‏ام.دیگر بیش از این‏ اوقات شریف را تضییع نمی‏کنم.در خاتمه سلامت و موفقیت و دیدار جناب‏عالی را همیشه خواهانم.

دکتر محمد مصدق

6-درد دل زیاد است!

احمدآباد،اول فروردین‏ماه 1341

قربانت گردم،مرقومه‏ی محترمه عزّ وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت خوش‏وقتی و امتنان گردید.امیدوارم که این سال به‏ جناب‏عالی و سرکار علیه خانم محترم والده‏ی شما میمون و مبارک‏ باشد و سال‏های بسیار در کمال خوشی به این اعیاد نایل گردید.درد دل زیاد است و در راهی که ما قدم برداشته‏ایم،باید آن‏ها را به هیچ‏ (به تصویر صفحه مراجعه شود) از راست:دکتر سعید فاطمی،دکتر غلام حسین مصدق،دکتر محمد مصدق شمرده و بنده در این زندان که دستم از همه جا کوتاه است،جز از این که از خداوند موفقیت همگی را در راه خدمت به وطن عزیز بخواهم،راه دیگری ندارم.

دکتر محمد مصدق

7-سال روز شهادت دکتر فاطمی

مرقومه‏ی محترم مورخ 19 آبان،روز شهادت مرحوم خلدآشیان‏ دکتر حسین فاطمی عزّ وصول ارزانی بخشید و موجب کمال تأثر گردید.ای کاش سرنوشت ایشان نصیب من شده بود و ای زندگی‏ رقّت‏بار را نمی‏دیدم.از کسالت سر کار علیه خانم والده‏ی جناب‏عالی‏ بسیار متأسفم،صحت و سلامت ایشان و جناب‏عالی را خواهانم.

دکتر محمد مصدق

8-آخرین نوروز!

احمدآباد،اول فروردین 1345

مرقومه‏ی محترمه عزّ وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت‏ امتنان گردید.خدمت سرکار عیله خانم والده‏ی محترم سلام دارم و سلامت‏تان را خواهانم.کارت محترم عزّ وصول ارزان بخشید و موجب نهایت امتنان گردید.خواهانم که این سال مبارک و میمون‏ باشد و سال‏های بسیار در نهایت صحت و خوشی به سر ببرید.در خاتمه ارادت خود را تجدید می‏کنم و سلامت جناب‏عالی را خواهانم.

دکتر محمد مصدق